

جبران

باور و یقین داشتن دانش آموز به توانمندی‌های خود

تبارکة رجبی

آموزگار پایه‌ی چهارم دبستان پسرانه‌ی کوشش، شهرستان خرم‌دزه

به درس می‌شد و سؤال‌ها را با سرعت عمل بیشتر، بدون مکث پاسخ می‌داد. به همین دلیل، دانش‌آموزان زنگ کلاس هم به او غبطه می‌خوردند.

یک روز در زنگ ریاضی چند نفر از دانش‌آموزان گروه‌ها را برای انجام تقسیم چندرقمی در دورقمی پای تابلو آوردم.

بعضی از آن‌ها نتوانستند تقسیم را به خوبی انجام دهند اما دانش‌آموز هم‌گروهی من خیلی خوب عملیات تقسیم را انجام داد. او را به‌عنوان جانشین و همیار خود برای پرسش درس‌ها و انجام آزمایش‌های علوم انتخاب کردم؛ کمک او چشمگیر بود.

انگیزه‌ی یادگیری به حدی در او قوی شده بود که وقتی یک کلاس تمام می‌شد، در زنگ تفریح درس آن ساعت را برای من تا دم در دفتر توضیح می‌داد. بعد از تعطیل شدن مدرسه تا زمانی که سوار تاکسی می‌شدم، مرا همراهی می‌کرد و در مسیر درس‌های آن روز را تند تند توضیح می‌داد و احساس رضایت می‌کرد.

در پایه‌ی چهارم ابتدایی به‌دلیل ضعیف بودن تعداد بیشتری از دانش‌آموزان در ریاضی تصمیم گرفتم کلاس جبرانی تشکیل دهم. به همین منظور، بعد از پایان کلاس و زنگ مدرسه به مدت هفده جلسه بدون هیچ حق‌الزحمه‌ای این جلسه‌ها را برگزار کردم.

در میان این تعداد دانش‌آموز یکی از آن‌ها در تمام درس‌ها خیلی ضعیف بود و رابطه‌ی خوبی هم با دانش‌آموزان کلاس نداشت. هر وقت در کلاس درس سؤال می‌کردم او فقط سکوت می‌کرد و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌داد. بچه‌های دیگر راضی نمی‌شدند او را در گروه خود بپذیرند و او تنها می‌ماند. بنابراین، به او پیشنهاد دادم: «من و تو یک گروه دو نفره تشکیل می‌دهیم و من یقین دارم که تو درس‌ها را خیلی خوب یاد می‌گیری». او تحت تأثیر توجه من قرار گرفت و به توانمندی‌های خود آگاه شد به‌طوری که از آن پس در هر جلسه بعد از تدریس، اولین دانش‌آموزی بود که داوطلب پاسخ‌گویی